

کیفیت حسابرسی، حمایت از سرمایه‌گذاران و مدیریت سود در دوران بحران مالی

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۷

■ محسن حمیدیان^۱

■ نفیسه تقی‌زاده^۲

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثر تعدیلی حمایت از سرمایه‌گذاران بر ارتباط بین بحران مالی و کیفیت حسابرسی شرکت‌ها و هم‌چنین، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، تعداد ۱۲۷ شرکت در دوره زمانی ۸ ساله بین سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۵ به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها در گروه پژوهش‌های توصیفی قرار دارد که برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های مربوط به رگرسیون لجستیک و رگرسیون چندمتغیره بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین دوران بحران مالی و حمایت از سرمایه‌گذاران با کیفیت حسابرسی شرکت رابطه وجود دارد. ضمن اینکه، حمایت از سرمایه‌گذاران این ارتباط را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، بین حمایت از سرمایه‌گذاران و کیفیت حسابرسی با کیفیت سود شرکت رابطه وجود دارد. بیشتر اینکه، حمایت از سرمایه‌گذاران اثر تعدیلی بر این ارتباط نیز دارد.

کلمات کلیدی: حمایت از سرمایه‌گذاران، کیفیت حسابرسی، بحران مالی، مدیریت سود.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشکده اقتصاد و حسابداری، تهران، ایران
 ۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب پردیس بین‌الملل کیش (نویسنده مسئول)،
 پست الکترونیکی: nafisetaghizade@gmail.com

۱- مقدمه

حسابرسی به عنوان اعتباردهنده به گزارشگری مالی، نقشی بااهمیت در افزایش کیفیت افشای حسابداری دارد (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). هم‌چنان که پنمن (۲۰۰۳) نیز در مقاله خود کیفیت حسابرسی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات اثبات نموده است. کیفیت حسابرسی به معنی عاری بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده از تحریفات بااهمیت است (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۹۱؛ بنی مهد و شریف، ۱۳۸۹). مدیران واحدهای تجاری به دلایل مختلف می‌کوشند تا از طریق کاربرد روش‌های گوناگون حسابداری، سود دوره مالی را مدیریت کنند تا وضعیت مورد نظر خود را از عملکرد دستگاه اقتصادی ارائه کنند (ثقفی و همکاران، ۱۳۸۷). از طرف دیگر، استقرار یک سیستم حاکمیت قوی در شرکت‌ها نیازمند توجه به پاره‌ای از عوامل است که از آن‌ها به سازوکارهای حاکمیت شرکتی تعبیر می‌شود.

بنکس (۲۰۰۴)، این سازوکارها را در دو دسته کلی سازوکارهای داخلی و سازوکارهای خارجی طبقه‌بندی نموده است. سازوکارهای داخلی، مبتنی بر اقدامات اتخاذشده توسط شرکت‌های انفرادی به منظور اجرایی کردن کنترل و پاسخگویی است. سازوکارهای خارجی نیز مبتنی بر نظارت گروه‌های خارج از شرکت به منظور حفظ منافع سرمایه‌گذاران می‌باشد. از مهم‌ترین سازوکارهای خارجی حاکمیت شرکتی، رعایت حقوق سهامداران به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی منابع شرکت است. چنین به نظر می‌رسد که رمز موفقیت یک شرکت در گرو پاسخگویی مطلوب به سهامداران آن است. اهمیت رعایت حقوق سهامداران به عنوان یکی از سازوکارهای خارجی حاکمیت شرکتی تا آنجاست که این موضوع در بسیاری از قوانین حاکمیت شرکتی (از جمله قانون سربینز آکسلی (۲۰۰۲)، گزارش کدبری (۱۹۹۲) و گزارش‌های هیگز و اسمیت (۲۰۰۳)، در بریتانیا، گزارش کمیته دی (۱۹۹۴)، در کانادا، گزارش کاردون (۱۹۹۵)، در بلژیک و...) مورد توجه قرار گرفته و رهنمودهایی برای اعمال نظارت بیشتر توسط آن‌ها معرفی گردیده است (صفرزاده، ۱۳۹۲).

در این راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی کیفیت حسابرسی، حمایت از سرمایه‌گذاران و مدیریت سود در دوران بحران مالی می‌باشد امید است بررسی این موضوع برای کلیه فعالان در حوزه مالی مفید واقع گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱ بحران مالی و کیفیت حسابرسی

بیشتر یافته‌های پژوهش‌ها در ارتباط با بحران مالی نشان می‌دهد که در طول بحران مالی، کیفیت سود کاهش می‌یابد. این کاهش کیفیت در کشورهای دارای حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار مشهودتر و بیشتر است. جای تعجب است که هیچ شواهد روشنی در زمینه اثر بحران مالی بر کیفیت حسابرسی وجود ندارد. بسیاری از اقتصاددانان به بررسی نقش حسابرسان در طول بحران مالی پرداختند چرا که در طول بحران مالی عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد (کنچل و ویلکنز، ۲۰۰۶). هوریب و کوک (۲۰۰۵) و بین و لئو (۲۰۱۰) اعلام کردند که ریسک بالای کسب و کار باعث

افزایش احتمال تغییر و گردش حساب می‌گردد. نقش و اثر حسابرسی بر مدیریت سود در طول بحران مالی در حد کیفیت مورد بررسی قرار نگرفت. اما آیا تردیس و دیمیتراس (۲۰۱۳) دریافتند که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان برتر اقلام تعهدی اختیاری کمتری و ارتباط ارزشی بالاتری دارند.

جوئل و همکاران (۲۰۰۷) و چپای و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند که شرکت‌های حسابرسی بزرگ می‌توانند مدیریت سود را به صورت چشمگیری محدود سازند. محققان اخیراً دریافتند که محافظت قوی از سرمایه‌گذاران، قوانین قوی، سیستم حقوقی درست همگی تعیین‌کننده‌های اصلی صورت‌های مالی با کیفیت و کیفیت حسابرسی بالا می‌باشند.

براساس یافته‌های به دست آمده در پژوهش‌های گونتر و یونگ (۲۰۰۰) بوشمن و اسمیت (۲۰۰۱) لئوز و همکاران (۲۰۰۳)، شن و چی (۲۰۰۵)، کیفیت سود در کشورهای دارای حمایت قوی از سرمایه‌گذاران و سیستم‌های حقوقی قوی بالاتر است. نتایج به دست آمده از نیومن (۲۰۰۵) و جگی و لا (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که حمایت از سرمایه‌گذار به کیفیت حسابرسی بالاتر مرتبط است.

۲-۲ کیفیت حسابرسی و حمایت از سرمایه‌گذاران

کیفیت حسابرسی در محیط‌های حقوقی متفاوت، مشابه نیست. اثر حمایت سرمایه‌گذار بر کیفیت حسابرسی اولین عامل تعیین‌کننده می‌باشد. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۳) پیش‌بینی کردند که در کشورهای دارای حقوق مدنی، هزینه کمتری صرف حسابرسی می‌گردد و از حسابرسان برتر کمتر استفاده می‌شود. چوی و همکاران (۲۰۰۸)، استدلال نمودند که عوامل ریسک ویژه کشور نیز نقش مهمی در تعیین ریسک حسابرسی و هزینه بدهی در کشورها ایفا می‌نمایند که بر حق‌الزحمه حسابرسی نیز مؤثر می‌باشد. یافته‌های آن‌ها، وجود رابطه مثبت میان حق‌الزحمه حسابرسی سیستم حقوقی را تأیید و اثبات می‌نماید.

جگی و لا (۲۰۱۱) نیز اعلام کردند که عوامل نهادی با حمایت از سرمایه‌گذار مرتبط می‌باشد. لئوز و همکاران (۲۰۰۳)، استدلال کردند که حسابرسی در کشورهای دارای حمایت از سرمایه‌گذار، کمتر است حسابرسی نقش چالش‌برانگیزی در بحران مالی داشت. کنچل و ویلکینز (۲۰۰۶) اشاره نمودند که حسابرسی در بازارهای سرمایه مدرن جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی حساسی می‌باشد. هوگان و ویلکینز (۲۰۰۸) یک رابطه مثبت میان حق‌الزحمه حسابرسی و ریسک حسابرسی دریافتند. هودیپ و کوک (۲۰۰۵) و لین و لئو (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که ریسک بالاتر کسب و کار در طول بحران مالی ۲۰۰۸ باعث تغییر بیشتر حسابرسی گردید. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) بالاسوبرانیام و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که کشورهای دارای حمایت قوی از سرمایه‌گذار، مدیریت سود کمتری دارد و به این صورت کیفیت حسابرسی آن‌ها بالاتر است. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) شن و چی (۲۰۰۵) نشان دادند که افشاگری حسابداری (حمایت قوی از سرمایه‌گذار)، در صنعت بانکداری انگیزه مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

برگستالر و همکاران (۲۰۰۶) گزارش دادند که شرکت‌های خصوصی و دولتی، در کشورهای دارای

سیستم حقوقی ضعیف شفافیت کمتری دارد. نابار و بونلرت (۲۰۰۷) و شان (۲۰۱۵) اعلام کردند که مدیریت سود تنها به حمایت از سرمایه‌گذار مرتبط نیست و به فرهنگ کشور نیز ارتباط دارد چون فرهنگ ملی تعیین‌کننده سیستم حاکمیت شرکتی است.

کاهان و همکاران (۲۰۰۸)، اعلان کردند که مدیران فعال در کشورهای دارای حمایت ضعیف از سرمایه‌گذاران، هموارسازی فرصت طلبانه بیشتری برای درآمد دارند اما مدیران در کشورهای دارای حمایت قوی از سرمایه‌گذاران با استفاده از هموارسازی درآمد اطلاعات محرمانه سود را منتقل می‌نمایند. هوکیو و همکاران (۲۰۱۲)، یک رابطه مثبت میان حمایت از سرمایه‌گذار و کیفیت سود یافتند.

۲-۳ کیفیت حسابرسی و مدیریت سود

نقش حسابرسی در تضمین کیفیت سود نیز بسیار مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش‌های پیشین نشان داد که کیفیت بالاتر حسابرسی با کیفیت بالاتر سود مرتبط است (بکر و همکاران، ۱۹۹۸؛ فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹). پاک مرام (۱۳۹۶) نشان داد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای اولین بار عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند، در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند. ضمن این که علی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) نتیجه گرفتند که اندازه بزرگ موسسه حسابرسی باعث کاهش ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. این دلایل ناشی از ارائه کیفیت بالای مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌باشد که باعث کاهش اقلام تعهدی اختیاری برای دستکاری سود می‌شود.

لی و لین (۲۰۱۰) آنتل و همکاران (۲۰۰۶) میترا و همکاران (۲۰۰۹) اثبات کردند که حق‌الزحمه‌های حسابرسی به طور مثبت به مدیریت سود مرتبط می‌باشند. کریشنان (۲۰۰۳) اثبات کردند که حسابرسان شرکت‌های دارای اقلام تعهدی بالا اظهارنظرهای اصلاح شده صادر می‌کنند. بوتلر و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که اظهارنظرهای اصلاح شده به صورت مثبت بر مدیریت سود اثر می‌گذارد.

شواهدی وجود دارد که کیفیت سود شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان برتر بالاتر است. اما چن و همکاران (۲۰۰۵) اعلام کردند که کیفیت سود شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان معمولی از شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان برتر بالاتر می‌باشد. مایجور و وانسترالن (۲۰۰۶) و حسینی (۲۰۰۹) اعلام کردند که رابطه‌ای میان اندازه شرکت حسابرسی و مدیریت سود وجود ندارد. نقش کمیته حسابرسی در کیفیت حسابرسی و اثرگذاری بر رفتار مدیریت سود مؤثر و حیاتی است. استوارت و مانرو (۲۰۰۷) اعلام کردند وجود کمیته حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسی شرکت می‌گردد.

همزمان با کاهش ریسک حسابرسی، افشاگری سود باعث کاهش ریسک حسابرسی شرکت می‌گردد. همزمان با کاهش ریسک حسابرسی، افشاگری سود کیفیت بهتری خواهد داشت. الکالی و همکاران (۲۰۱۸) شواهدی مبنی بر تأثیر حسابرسی سازمان‌های بزرگ بر کیفیت گزارشگری مالی

شرکت‌های نیجریه‌ای پس از پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی ارائه دادند. مایجور و ونسترالین (۲۰۰۶) و الهادی و همکاران (۲۰۱۵) اعلام کردند که شرکت‌های فعال در کشورهای دارای سیستم کیفیت حسابداری سخت‌گیرانه مدیریت سود کمتری دارند. فرانسیس و وانگ (۲۰۰۸) مدعی شدند که کیفیت سود در شرکت‌های دارای حسابرس بزرگ و دارای حمایت قوی از سرمایه‌گذار بیشتر است. همچنین ون تندلو و ونسترالین (۲۰۰۸) دریافتند که کیفیت حسابداری و حمایت از سرمایه‌گذار جایگزین محدودسازی مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی می‌باشند. در نهایت، پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه بر روی کیفیت حسابداری، حمایت از سرمایه‌گذاران و مدیریت سود در دوران بحران مالی ۲۰۰۸ پرداختند. نتایج به دست آمده در این پژوهش پیچیده می‌باشد. اول اینکه، نتایج نشان می‌دهد تمامی معیارهای کیفیت حسابداری شرکت‌ها به طور مثبت و معتاداری با عوامل نهادی محافظه سرمایه‌گذاران در ارتباط است. دوم، کیفیت حسابداری در دوران بحران مالی نسبت به دوره‌های دیگر پایین‌تر است. سوم، کیفیت حسابداری برای شرکت‌هایی با حمایت سرمایه‌گذاران بالا و قوانین محکم‌تر، قوی‌تر می‌باشد. با توجه به نظریه‌های ارائه شده در بخش‌های قبلی، در پژوهش حاضر فرضیه‌هایی تدوین شده به شرح ذیل می‌باشند:

بین دوران بحران مالی با کیفیت حسابداری شرکت رابطه وجود دارد.
 بین حمایت از سرمایه‌گذاران با کیفیت حسابداری شرکت رابطه وجود دارد.
 حمایت از سرمایه‌گذاران بر ارتباط بین دوران بحران مالی و کیفیت حسابداری شرکت تأثیر می‌گذارد.
 بین کیفیت حسابداری و کیفیت سود شرکت رابطه وجود دارد.
 بین حمایت از سرمایه‌گذاران و کیفیت سود شرکت رابطه وجود دارد.
 حمایت از سرمایه‌گذاران بر ارتباط بین کیفیت حسابداری و کیفیت سود شرکت تأثیر می‌گذارد.

۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش در برگزیده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۱۲۷ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:
 شرکت قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۵ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد؛
 به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخاب، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود؛
 به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛

شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند از نمونه حذف شده‌اند؛ شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند.

□ ۴- توسعه مدل‌های رگرسیونی و روش اندازه‌گیری متغیرها

۴-۱ مدل رگرسیونی اول:

به پیروی از ادبیات پیشین پژوهش (همانند پرساکیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیخیا، ۲۰۱۵؛ حسن و ناصر، ۲۰۱۳؛ اسبرینیدی و گول، ۲۰۰۷) فرضیه‌های اول، دوم و سوم با استفاده از مدل رگرسیونی (۱) تحلیل شده است. نظر به اینکه در این مدل، متغیر وابسته به صورت دووجهی تعریف شده است (متغیر دوگانه)، بنابراین برای بررسی مدل رگرسیونی از رگرسیون لجستیک بهره گرفته شده است. در مدل (۱)، در صورتی که ضریب (β_1) معنادار باشد فرضیه اول، در صورتی که ضریب (β_2) معنادار باشد فرضیه دوم و در صورتی که ضریب (β_3) معنادار باشد می‌توان پذیرفت که فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. به این ترتیب داریم:

مدل (۱)

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Crisis_{it} + \beta_2 Invpr_{it} + \beta_3 Crisis_{it} * Invpr_{it} + \beta_4 Corpsize_{it} + \beta_5 Risk_{it} + \beta_6 Profit_{it} + \beta_7 Solv_{it} + \beta_8 Complex_{it} + \beta_9 Accrual_{it} + \beta_{10} FCF_{it} + \beta_{11} Irisk_{it} + \beta_{12} Leverage_{it} + \beta_{13} BM_{it} + \beta_{14} Losses_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل بالا داریم:

متغیر وابسته: کیفیت حسابداری (AQ) متغیر وابسته می‌باشد که به پیروی از پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) از شاخص نوع حسابرس استفاده شده است. به این ترتیب که اگر شرکت از سوی سازمان، حسابرسی شود یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

متغیر مستقل: بحران مالی (Crisis): آرتور برنز و ویسلی میچل در کتاب اندازه‌گیری سیکل‌های تجاری در سال ۱۹۴۶، به تحلیل سیکل‌های تجاری پرداخته و بیان می‌کنند که شاخص‌های اقتصادی به همراه یکدیگر حرکت می‌کنند. در دوره رونق نه تنها تولید افزایش می‌یابد، بلکه اشتغال نیز افزایش یافته و بیکاری کاهش می‌یابد. در مقابل، در زمان رکود، تولید کالاها و خدمات کاهش، اشتغال کم و بیکاری افزایش می‌یابد (رضاقره باغ، محمدی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر، دوره بحران مالی که برای اندازه‌گیری این متغیر از شاخص تولید ناخالص داخلی کشور استفاده شده است. در صورتی که رشد تولید ناخالص داخلی در دوره‌ای منفی باشد، عدد یک به معنای دوره اقتصادی دارای بحران در نظر گرفته شده و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیر مستقل و تعدیل‌گر: حمایت از سرمایه‌گذاران (Invpr): برای اندازه‌گیری این متغیر به عنوان یکی از سازوکارهای خارجی حاکمیت شرکتی از عوامل متعددی بهره گرفته شده است. این معیار

ترکیبی و چندبعدی است که مزایایی همچون وارد نمودن یک متغیر در مدل رگرسیونی به جای توجه جداگانه به هر یک از مولفه‌ها، توجه به بهینگی سازوکارهای خاص در سطح شرکت‌ها و نیز جلوگیری از تکرار و دوباره‌کاری ویژگی‌ها می‌باشد. به پیروی از صفرزاده (۱۳۹۲)، برای اندازه‌گیری حمایت از سرمایه‌گذاران به هر کدام از ابعاد امتیاز صفر و یک (با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده) اختصاص یافته و از جمع زدن این امتیازها نمره مربوط به هر شرکت در هر سال محاسبه می‌شود. مولفه‌های مرتبط با حقوق سهامداران در ایران به شرح ذیل می‌باشد:

جدول (۱) مولفه‌های مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاران در ایران

نام مؤلفه	تعریف عملیاتی
تمرکز مالکیت	ابتدا میانگین درصد سهام شناور آزاد شرکت‌های نمونه در هر سال محاسبه می‌شود. در صورتی که درصد سهام شناور آزاد یک شرکت از میانگین بیشتر باشد، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک اختصاص می‌یابد.
وجود سهامداران دارای حق کنترل	در صورت عدم وجود سهامدار دارای حق رأی کنترل، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک اختصاص می‌یابد.
میزان سهامداری یا مالکیت دولت	ابتدا میانگین درصد مالکیت دولت در شرکت‌های نمونه برای هر سال محاسبه می‌شود. در صورتی که درصد مزبور برای یک شرکت از میانگین کمتر باشد، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت به آن شرکت عدد یک اختصاص می‌یابد.
معامله با اشخاص وابسته	ابتدا میانگین نسبت مبلغ معاملات بین شرکت و اشخاص وابسته به مبلغ فروش برای کلیه شرکت‌های نمونه در هر سال محاسبه می‌شود. در صورتی که این نسبت برای یک شرکت از عدد میانگین بیشتر باشد به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت به آن شرکت عدد یک اختصاص می‌یابد.
وجود دعاوی قانونی علیه شرکت	در صورت وجود دعاوی قانونی علیه شرکت در ۳ سال گذشته، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت به آن شرکت عدد یک اختصاص می‌یابد.

متغیرهای کنترلی: به پیروی از ادبیات نظری پژوهش (پرساکیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ صالح وهات، ۲۰۱۴؛ سلیمان و راغب، ۲۰۱۴؛ یاسر، ۲۰۱۳؛ حمدان و همکاران، ۲۰۱۲؛ چن و همکاران، ۲۰۱۱) اثر برخی از متغیرهای مالی و حسابداری در مدل رگرسیونی کنترل شده است که به صورت زیر تعریف شده‌اند:

- اندازه شرکت (Corpsize): برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی کل.
- ریسک شرکت (Risk): برابر است با نسبت تعهدات کل به دارایی کل.
- سودآوری شرکت (Profit): برابر است با نسبت سود خالص به فروش.
- پرداخت دیون (Solv): برابر است با نسبت حقوق صاحبان سهام به بدهی کل.
- پیچیدگی شرکت (Complex): برابر است با نسبت مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی به دارایی کل.
- اقدام تعهدی (Accruals): برابر است با نسبت تغییر در غیرداری‌ها (دارایی کل منهای وجوه‌نقد

و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت) منهای تغییر در غیربدهی‌ها (تعهدات کل منهای بدهی کل) به دارایی کل.

جریان‌های نقدی آزاد (FCF): برابر است با نسبت درآمد خالص منهای اقلام تعهدی کل تقسیم بر دارایی کل.

حساب‌های دریافتی (Irisk): برابر است با نسبت حساب‌های دریافتی به دارایی کل.

اهرم مالی (Leverage): برابر است با نسبت بدهی کل به دارایی کل.

نسبت ارزش دفتری به بازار (BM): برابر است با نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام شرکت‌ها.

زیان شرکت (Losses): که برای اندازه‌گیری آن از متغیر مجازی استفاده شده است. در صورتی که شرکت در دوره جاری زیان داده باشد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

۴-۲ مدل رگرسیونی دوم:

بر اساس ادبیات پیشین پژوهش (پرساکیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ صالح و هیت، ۲۰۱۵؛ گاجوسزکی، ۲۰۱۴؛ سلیمان و راغب، ۲۰۱۴) برای بررسی فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم از مدل رگرسیونی (۲) استفاده شده است. در این مدل از روش‌های مربوط به رگرسیون خطی چندگانه بهره گرفته شده است. در صورتی که ضریب (β_1) معنادار باشد فرضیه چهارم، ضریب (β_2) معنادار باشد فرضیه پنجم و در صورتی که ضریب (β_3) معنادار باشد فرضیه ششم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. به این ترتیب داریم:

مدل (۲)

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 Invpr_{it} + \beta_3 AQ_{it} * Invpr_{it} + \beta_4 \Delta RAV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \beta_6 NI_{it} + \beta_7 Accrual_{it} + \beta_8 CURRENT_{it} + \beta_9 SP_{it} + \beta_{10} LL_{it} + \beta_{11} Corpsize_{it} + \beta_{12} Cfov_{it} + \beta_{13} Beta_{it} + \beta_{14} Leverage_{it} + \beta_{15} ROA_{it} + \beta_{16} \Delta REV_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل بالا داریم:

متغیر وابسته: کیفیت سود شرکت (EQ) متغیر وابسته در مدل دوم می‌باشد که برای اندازه‌گیری این متغیر از مدل ارائه شده از سوی دیچو و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شده است. در این مدل باقیمانده مدل رگرسیونی به عنوان متغیر کیفیت سود در نظر گرفته شده است. این مدل به شرح ذیل می‌باشد:

مدل (۳)

$$TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it}$$

در مدل بالا داریم:

TA_{it} : اقلام تعهدی کل که برابر است با نسبت تغییر در غیرداری‌ها (دارایی کل منهای وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت) منهای تغییر در غیربدهی‌ها (تعهدات کل منهای بدهی کل) به دارایی کل شرکت.

A_{it-1} : دارایی کل اول دوره شرکت

ΔREV_{it} : تغییر در درآمد حاصل از فروش شرکت نسبت به دوره قبل

ΔREC_{it} : تغییر در حساب‌های پرداختی شرکت نسبت به دوره قبل

PPE_{it} : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت دوره جاری

ε_{it} : خطای مدل رگرسیونی که شاخص اندازه‌گیری کیفیت سود شرکت‌ها می‌باشد.

متغیرهای کنترلی:

تغییر در حساب‌های دریافتی (ΔRAV): برابر است با تغییر در حساب‌های دریافتی به دارایی کل در دوره گذشته.

اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE): برابر است با نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به دارایی کل اول دوره شرکت.

سود خالص (NI): برای اندازه‌گیری آن به پیروی از پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) از نسبت سود خالص به دارایی کل اول دوره شرکت استفاده شده است.

دارایی‌های جاری ($Current$): برابر است با نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری.

سودهای کوچک (SP): متغیر مجازی که اگر سود خالص به دارایی کل شرکت در دوره جاری بین صفر تا ۰/۰۱ باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است.

شناسایی به موقع زیان (LL): که برای اندازه‌گیری آن از متغیر مجازی استفاده شده است. بدین ترتیب که اگر سود خالص به دارایی کل شرکت کمتر از ۰/۲- باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است.

نوسانات جریان‌ات نقدی عملیاتی ($Cfov$): برابر است با از انحراف معیار ۳ ساله جریان‌ات نقدی عملیاتی به دارایی کل شرکت استفاده شده است.

بتای بازار ($Beta$): که همان ضریب بتای بازار شرکت می‌باشد.

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به دارایی کل استفاده شده است. تغییر در درآمد حاصل از فروش ($REVA\Delta$): برابر است با نسبت تغییر در درآمدهای حاصل از فروش به دارایی کل نسبت به دوره قبل. باقی متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۵ آمار توصیفی پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره (۲)، ارائه شده است. تعداد شرکت مورد بررسی ۱۲۷ شرکت بوده و پس از جمع‌آوری داده‌ها و با استفاده از ۱۰۱۶ سال - شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها بیانگر این است که بیش از ۲۵ درصد شرکت‌ها از سازمان برای حسابداری صورت‌های مالی بهره گرفته‌اند. هم‌چنین، تغییرات نرخ تولید ناخالص داخلی کشور در طول ۸ سال مورد بررسی ۲ درصد بوده است. در این سال‌ها هم تولید ناخالص داخلی مثبت و هم منفی داشته‌ایم که در جدول آمده است. علاوه بر این، شرکت‌ها از بین ۵ شاخص ارائه شده برای اندازه‌گیری حمایت از سرمایه‌گذاران تنها به ۱/۶ آن‌ها جامه عمل پوشانده‌اند که این موضوع نشان از کم اهمیت بودن این متغیر در بین شرکت‌ها است. کیفیت سود شرکت‌ها نیز به طور میانگین یک درصد به دست آمده که در بین شرکت‌های نمونه هم سود افزایشی و هم کاهش‌ی را شاهد می‌باشیم. نتایج آمار توصیفی به شرح صفحه بعد می‌باشد:

جدول شماره (۲) نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
کیفیت حسابداری	AQ	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۳
بحران مالی	CRISIS	۰/۰۲۱	-۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	-۰/۱۶۸	۰/۱۴۱
حمایت از سرمایه‌گذاران	INVPR	۱/۶۴۵	۲/۰۰۰	۵/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۷۱
کیفیت سود	EQ	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۰/۸۰۷	-۰/۷۸۰	۰/۱۳۵
اندازه شرکت	CORPSIZE	۱۳/۹۲۹	۱۳/۸۳۶	۱۹/۰۶۶	۱۰/۰۳۱	۱/۳۸۲
ریسک	RISK	۰/۳۲۲	۰/۲۷۲	۰/۹۸۸	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵
سودآوری	PROFIT	۰/۱۳۷	۰/۱۰۳	۰/۹۹۵	-۰/۷۷۳	۰/۲۲۳
پرداخت دیون	SOLV	۰/۷۶۰	۰/۵۸۸	۲/۹۷۰	۰/۰۰۳	۰/۵۷۹
پیچیدگی	COMPLEX	۰/۵۰۲	۰/۵۱۲	۰/۹۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲
اقدام تعهدی	ACCRUAL	۰/۲۴۸	۰/۲۱۲	۰/۹۹۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۸
جریانان نقدی آزاد	FCF	۰/۳۵۵	۰/۰۲۴	۰/۸۷۸	-۰/۹۵۴	۰/۲۷۰
حساب‌های دریافتی	IRISK	۰/۲۵۷	۰/۳۴۱	۰/۷۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۱
اهرم مالی	LEVERAGE	۰/۵۹۰	۰/۶۱۴	۰/۹۹۶	۰/۰۱۲	۰/۱۹۷
ارزش دفتری به بازار	BM	۰/۶۱۴	۰/۵۱۴	۱/۹۷۲	۰/۰۰۸	۰/۳۸۸
زیان	LOSSES	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵
تغییر در حساب‌های دریافتی	Δ RAV	۰/۰۵۴	۰/۰۲۵	۰/۸۳۴	-۰/۶۶۰	۰/۱۵۴
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	PPE	۰/۲۵۴	۰/۲۰۴	۰/۹۷۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸۷
سود خالص	NI	۰/۱۱۳	۰/۰۹۴	۰/۸۷۶	-۰/۴۹۲	۰/۱۵۰
دارایی‌های جاری	CURRENT	۱/۴۵۸	۱/۲۵۲	۱۰/۸۴۹	۰/۲۲۲	۱/۰۳۵
سودهای کوچک	SP	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۴
شناسایی به موقع زیان	LL	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۵
نوسانات جریانان نقدی	CFOV	۰/۰۶۵	۰/۰۵۲	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲
ضریب بتا	BETA	۰/۰۲۱	۰/۶۳۲	۹/۳۳۰	-۷/۳۸۵	۱/۰۱۵
تغییرات فروش	Δ REV	۰/۰۹۲	۰/۰۸۴	۲/۷۸۰	-۲/۶۹۵	۰/۲۶۷

۵-۲ آمار استنباطی

۵-۲-۱ آزمون مدل رگرسیونی اول

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از برازش مدل‌های رگرسیون لجستیک استفاده شده است. در این مدل متغیر وابسته (کیفیت حسابداری) به صورت دو وجهی ظاهر می‌گردد و تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر روی بخت تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها محاسبه می‌گردد. از آنجا که تخمین مدل‌های رگرسیون لجستیک فارغ از ماهیت داده‌ها انجام می‌گیرد، انجام آزمون‌های تشخیصی چاو و هاسمن ضرورت نیافته است. جدول (۳) نتایج برازش این مدل را نشان می‌دهد. بایستی توجه شود که همان‌طور که در بخش آمار توصیفی نیز تشریح شد بیش از ۲۵٪ درصد شرکت‌های نمونه از سازمان به منظور حسابداری صورت‌های مالی بهره گرفته که در مجموع تشکیل ۲۲۱ سال-شرکت را می‌دهند و بقیه شرکت‌ها (۶۵۹ سال-شرکت) در گروه شرکت‌هایی قرار می‌گیرند که از سازمان استفاده نکرده‌اند. اما، با توجه به اینکه نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی مدل که معناداری مدل رگرسیونی پژوهش را می‌آزماید، نشان از سطح معناداری کوچک‌تر از خطای ۰/۰۵ و در نتیجه، معناداری کلی مدل رگرسیون لجستیک پژوهش دارد.

از این‌رو نتایج این مدل قابل استناد بوده است. با استناد به درصد پیش‌بینی‌های مدل، با استفاده از متغیرهای مستقل این مدل می‌توان تا ۹۳/۰۸ درصد شرکت‌ها را از نظر تجدید ارائه صورت‌های مالی آن‌ها به درستی پیش‌بینی نمود.

هم‌چنین، سطح معناداری آزمون هاسمر لمشو نیز بزرگ‌تر از خطای ۰/۰۵ به دست آمده که نشان از مناسب بودن متغیرهای مستقل پژوهش در پیش‌بینی تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها دارد. در صورتی که سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ به دست آید، می‌توان ادعا نمود که متغیرهای مستقل مدل نمی‌توانند پیش‌گوی مناسبی برای متغیر وابسته باشند.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل رگرسیون لجستیک

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Crisis_{it} + \beta_2 Invpr_{it} + \beta_3 Crisis_{it} * Invpr_{it} + \beta_4 Corpsize_{it} + \beta_5 Risk_{it} + \beta_6 Profit_{it} + \beta_7 Solv_{it} + \beta_8 Complex_{it} + \beta_9 Accrual_{it} + \beta_{10} FCF_{it} + \beta_{11} Irisk_{it} + \beta_{12} Leverage_{it} + \beta_{13} BM_{it} + \beta_{14} Losses_{it} + \varepsilon_{it}$$

معناداری	آماره آزمون	ضریب تأثیر	متغیره
۰/۰۰۰	-۸/۳۱۱	-۰/۱۲۴	C
۰/۰۲۷	-۲/۲۱۲	-۰/۰۱۲	CRISIS
۰/۰۰۰	۷/۴۸۷	۰/۰۵۹	INVPR
۰/۰۰۰	۱۷/۰۱۷	۰/۰۲۶	CRISIS*INVPR
۰/۰۰۰	۱۴/۲۴۸	۰/۱۹۰	CORPSIZE
۰/۰۱۳	-۲/۴۸۳	-۰/۰۱۷	RISK
۰/۰۰۰	-۸/۴۷۸	-۰/۰۰۷	PROFIT
۰/۰۰۰	-۱۵/۱۱۲	-۰/۳۸۰	SOLV
۰/۲۵۵	-۱/۱۳۸	-۰/۱۲۳	COMPLEX
۰/۰۰۰	۵/۹۵۰	۰/۷۵۷	ACCRUAL
۰/۰۰۰	۵/۵۶۵	۰/۷۰۱	FCF
۰/۰۰۰	۷/۱۷۶	۰/۲۲۸	IRISK
۰/۰۵۶	۱/۹۰۸	۰/۰۴۶	LEVERAGE
۰/۰۰۰	-۵/۱۶۲	-۰/۰۳۶	BM
۰/۰۹۸	-۱/۶۵۴	-۰/۰۲۲	LOSSES
۰/۳۵۲			ضریب مک فادن
۱۵۱/۲۶۷			آماره نسبت درست‌نمایی
۰/۰۰۰			احتمال معناداری نسبت درست‌نمایی
۱۳/۹۷۹			آماره هاسمر لمشو
۰/۰۸۲			احتمال معناداری هاسمر لمشو
۸۹/۲۰			درصد پیش‌بینی صحیح مدل

با توجه به نتايج به دست آمده براي سطح معناداري و ضريب متغير بحران مالي (CRISIS) مي‌توان نتيجه گرفت بين بحران مالي و کيفيت حسابرسي رابطه منفي و معني‌داری وجود دارد (تأيد فرضيه اول). هم‌چنين، با توجه به نتايج به دست آمده براي سطح معناداري و ضريب متغير حمايت از سرمايه‌گذاران (INVPR) که پايين‌تر از خطاي ۰/۰۵ به دست آمده مي‌توان نتيجه گرفت بين حمايت از سرمايه‌گذاران و کيفيت حسابرسي رابطه مثبت معناداري وجود دارد (تأيد فرضيه دوم). در نهايت، با توجه به نتايج به دست آمده براي سطح معناداري و ضريب متغير تعديل گر بحران مالي* حمايت از سرمايه‌گذاران (CRISIS*INVPR) مي‌توان نتيجه گرفت حمايت از سرمايه‌گذاران بر ارتباط بين بحران مالي و کيفيت حسابرسي شرکت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثير مثبت و معناداري مي‌گذارد (تأيد فرضيه سوم).

۵-۲-۲ آزمون مدل رگرسيوني دوم

به منظور بررسي مدل رگرسيوني دوم پژوهش از روش‌هاي مربوط به مدل رگرسيوني چندمتغيره با استفاده از روش داده‌هاي پانلي (تابلويي)- اثرات ثابت تخمين زده شود. نتايج به دست آمده از بررسي مدل رگرسيوني دوم در جدول (۴) منعكس شده است. يادآوری اين نکته ضروري است که پيش‌فرض‌هاي رگرسيون شامل ناهمساني واريانس توزيع جزء خطا نيز بررسي شد و نتيجه اين آزمون‌ها نشان داد مشکل خاصي براي اجزاي مدل‌هاي مورد نظر جهت آزمون فرضيه پژوهش وجود ندارد. نتايج برآورد آماره دوربين واتسون در جهت تأيد استقلال اجزاي خطا نشان از برآورد اين آماره بين ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. از آن جا که اين مقدار نزديک به مقدار تجريبي ۲ قرار دارد مي‌توان فرض استقلال اجزاي خطا را پذيرفت. مقادير شاخص تورم واريانس (آماره هم‌خطي) که در جهت سنجش عدم هم‌خطي ميان متغيرهاي مستقل پژوهش محاسبه مي‌شود، کوچک‌تر از مقدار بحراني ۱۰ به دست آمده‌اند که نشان از عدم وجود هم‌خطي شديد ميان متغيرهاي مستقل پژوهش دارد. نتايج به دست آمده براي سطح معناداري آزمون بروش-پاگان که جهت بررسي عدم وجود ناهمساني واريانس در بين اجزاي خطا مورد تجزيه و تحليل قرار گرفته است، بالاتر از ۰/۰۵ مي‌باشد که بيانگر عدم رد فرضيه مخالف مبني بر همساني واريانس در بين اجزاي خطاي مدل مي‌باشد. از اين رو مي‌توان پذيرفت که مفروضات اوليه رگرسيون برقرار بوده و نتايج مدل در تعيين اثرات قابل استناد است. در نهايت، بر اساس شاخص‌هاي نيکويي برازش مدل مشاهده مي‌شود که سطح معناداري آماره F تحليل واريانس کمتر از خطاي نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداري مدل رگرسيوني مورد تخمين دارد. هم‌چنين، ضريب تعيين اصلاح شده مدل نيز نشان مي‌دهد بيش از ۵۱ درصد از تغييرات موجود در کيفيت سود شرکت‌هاي نمونه پژوهش در دوره بررسي توسط متغيرهاي مستقل و کنتري اين مدل‌ها تبیین مي‌گردد.

جدول شماره (۴) نتایج مدل رگرسیونی دوم

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 Invpr_{it} + \beta_3 AQ_{it} * Invpr_{it} + \beta_4 \Delta RAV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \beta_6 NI_{it} + \beta_7 Accrual_{it} + \beta_8 CURRENT_{it} + \beta_9 SP_{it} + \beta_{10} LL_{it} + \beta_{11} Corpsize_{it} + \beta_{12} Cfov_{it} + \beta_{13} Beta_{it} + \beta_{14} Leverage_{it} + \beta_{15} ROA_{it} + \beta_{16} \Delta REV_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	تورم واریانس
C	-۰/۰۳۰	-۵/۱۲۸	۰/۰۰۰	-
AQ	-۰/۰۷۰	-۳/۲۷۹	۰/۰۰۱	۲/۰۵۵
INVPR	-۰/۰۲۰	-۶/۶۵۱	۰/۰۰۰	۱/۳۴۳
AQ*INVPR	-۰/۰۲۵	-۲/۸۵۵	۰/۰۰۴	۲/۰۳۹
RAVAΔ	-۰/۰۰۰	-۲/۱۲۹	۰/۰۳۳	۱/۱۷۵
PPE	۰/۱۶۶	۶/۴۶۴	۰/۰۰۰	۱/۵۳۷
NI	-۰/۰۱۱	-۲/۶۴۱	۰/۰۰۸	۲/۰۹۲
ACCRUAL	۰/۰۰۰	۱/۵۷۱	۰/۱۱۶	۱/۲۱۴
CURRENT	۰/۰۰۸	۱/۹۴۷	۰/۰۵۱	۱/۳۱۱
SP	۰/۰۰۵	۱/۸۵۵	۰/۰۶۳	۱/۰۹۴
LL	-۰/۰۱۱	-۲/۳۹۵	۰/۰۱۶	۱/۴۷۲
CORPSIZE	۰/۰۷۸	۳/۶۱۵	۰/۰۰۰	۱/۶۹۹
CFOV	۰/۰۰۲	۲/۷۴۹	۰/۰۰۶	۱/۰۲۶
BETA	۰/۰۱۳	۲/۰۸۶	۰/۰۳۶	۱/۰۴۳
LEVERAGE	-۰/۱۷۲	-۵/۲۴۲	۰/۰۰۰	۲/۰۹۴
ROA	-۰/۰۰۲	-۲/۵۶۷	۰/۰۱۰	۲/۰۹۰
REVAΔ	-۰/۰۲۷	-۲/۲۰۰	۰/۰۲۷	۱/۱۱۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۱۰		دوربین واتسون	۲/۰۹۸
آماره F	۱۶/۷۰۷		سطح معناداری	۰/۰۰۰
همسانی واریانس	۵/۸۱۳		سطح معناداری	۰/۸۳۰

با توجه به نتایج به دست آمده برای سطح معناداری و ضریب متغیر کیفیت حسابرسی (AQ) می‌توان نتیجه گرفت بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده برای سطح معناداری و ضریب متغیر حمایت از سرمایه‌گذاران

(INVPR) می‌توان نتیجه گرفت بین حمایت از سرمایه‌گذاران و کیفیت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده برای سطح معناداری و ضریب متغیر تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی* حمایت از سرمایه‌گذاران شرکت (AQ*INVPR) می‌توان نتیجه گرفت حمایت از سرمایه‌گذاران دارای اثر منفی و معناداری بر ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد.

۶- نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیمی که به تازگی در بین مباحث مالی و حسابداری جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است، حمایت از سرمایه‌گذاران و اثرگذاری این متغیر بر دیگر متغیرها می‌باشد. بنابراین، در پژوهش حاضر به بررسی کیفیت حسابرسی، حمایت از سرمایه‌گذاران و مدیریت سود در دوران بحران مالی پرداخته شد. نتایج به‌دست آمده برای فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد بحران مالی شرکت‌ها دارای ارتباط منفی و معناداری با کیفیت حسابرسی شرکت‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش بحران اقتصادی در کشور، شرکت‌ها تمایل بیشتری به بهره‌گیری از مؤسسات حسابرسی دارند. در این ارتباط بایستی اشاره شود که حسابرسان نقش مهمی در دوران بحران مالی دارند، چراکه آن‌ها می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند. اما زمانی که بحران مالی افزایش پیدا می‌کند، تمایل شرکت‌ها به دستکاری سود و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی نیز افزایش پیدا می‌کند. این یافته‌ها با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) سازگار می‌باشد.

نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد با افزایش حمایت از سرمایه‌گذاران، میزان کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. در این ارتباط بایستی اشاره شود که با افزایش حمایت از سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها تلاش می‌کنند شفاف‌تر شده و در نتیجه به ابعاد غیرمالی نیز توجه بیشتری داشته باشند. ضمن اینکه در شرکت‌هایی که حمایت از سرمایه‌گذاران بالاتر می‌باشد، شرکت‌ها تمایل بیشتری به حسابرسی بالاتر داشته که این موضوع با افزایش حق‌الزحمه‌های حسابرسی و در نتیجه بهره‌گیری از مؤسسات جهت حسابرسی صورت‌های مالی همراه است. این یافته‌ها با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) سازگار می‌باشد.

نتایج فرضیه سوم نشان می‌دهد حمایت از سرمایه‌گذاران می‌تواند اثر مثبت و معنادار بر این ارتباط داشته باشد. به عبارت دیگر، حمایت از سرمایه‌گذاران باعث کاهش ارتباط منفی بین دوران بحران مالی و کیفیت حسابرسی می‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، حمایت از سرمایه‌گذاران موجب می‌شود شرکت‌ها تمایل بیشتری به بهره‌گیری از حسابرسی باکیفیت‌تر داشته باشند. این یافته‌ها سازگار با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) می‌باشد.

نتایج فرضیه چهارم نشان می‌دهد با افزایش کیفیت حسابرسی، کیفیت سود شرکت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، با افزایش هزینه‌های حسابرسی و بهره‌گیری از کیفیت بالاتر، می‌توان انتظار داشت که کیفیت سود شرکت‌ها نیز افزایش پیدا کند. این یافته‌ها سازگار

با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶)، هوک و همکاران (۲۰۱۲) و مرفوع و امیری (۱۳۹۳) می‌باشد.

نتایج فرضیه پنجم آشکار ساخت، زمانی که شرکت‌ها از حمایت از سرمایه‌گذاران بالاتری برخوردارند، کیفیت سود بالاتری را از خود نشان می‌دهند. این موضوع دور از انتظار نبوده است. چراکه زمانی که سیستم‌های حمایتی از سرمایه‌گذاران اندک باشد، مدیران مشوق‌های بیشتری برای دستکاری سود از خود نشان می‌دهند که این امر با دستکاری سود و بهره‌گیری از اطلاعات به صورت شخصی همراه است. این یافته‌ها سازگار با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶)، وریز (۲۰۱۲) و بیات و همکاران (۱۳۹۴) و صفرزاده (۱۳۹۲) می‌باشد.

در نهایت، نتایج فرضیه ششم نشان داد با افزایش حمایت از سرمایه‌گذاران، ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند. در این ارتباط بایستی اشاره شود که سازوکارهای حمایتی شرکت‌ها و بهره‌گیری از مبادی قانونی می‌تواند منجر به افزایش کیفیت سود گردد. این یافته‌ها سازگار با پژوهش پرساکیس و همکاران (۲۰۱۶) می‌باشد.

۷- پیشنهادهای پژوهش

استفاده از نتایج این پژوهش برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران و تمام افراد و سازمان‌هایی است که به نوعی با فعالیت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار درگیر هستند مفید می‌باشد. بنابراین پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه اول پژوهش پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران شرکت‌ها هنگام تجزیه و تحلیل شرکت‌های حسابرسی شده، به دوران مالی و بحران‌های موجود در دوره‌های مختلف نیز توجه داشته باشند.

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در طول سال‌های متمادی به افشای شاخص‌های حمایت از سرمایه‌گذاران بپردازند.

با توجه به نتیجه به دست آمده در فرضیه سوم پژوهش پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌ها تلاش نمایند شاخص‌های حمایت از سرمایه‌گذاران را که در پژوهش حاضر به آن‌ها اشاره شد، به صورت کامل‌تر و دقیق‌تر در صورت‌های مالی ذکر نمایند.

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه چهارم پژوهش پیشنهاد می‌شود اعتباردهندگان در بررسی‌های خود در ارتباط با پرداخت اعتبار، به صورت‌های حسابرسی شده مؤسسات حسابرسی باعتبار بالا توجه بیشتری نمایند. چرا که این صورت‌های مالی دارای کیفیت بالاتری هستند.

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه پنجم پژوهش پیشنهاد می‌شود تحلیل‌گران در بررسی‌های خود در ارتباط با کیفیت سود شرکت‌ها، به شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران توجه بیشتری نمایند. چرا که این شاخص می‌تواند منجر به کیفیت سود بالاتر شود.

با توجه به نتیجه به‌دست آمده در فرضیه ششم پژوهش پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها و مالکان اصلی آن‌ها تلاش کنند تا از خدمات حسابرسی بهره‌گیرند. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش کیفیت

سود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد.

اما برای انجام برخی پژوهش‌های همسو با این موضوع و هم‌چنین توسعه آن، پیشنهادهایی به شرح ذیل برای انجام پژوهش‌های بعدی ارائه می‌شود:

- ✓ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی اثر تعدیل‌گر کمیته‌های حسابرسی بر ارتباط بین حمایت از سرمایه‌گذاران و کیفیت حسابرسی با کیفیت سود شرکت‌ها بررسی شود.
- ✓ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی اثر عدم تقارن اطلاعاتی با کیفیت حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌ها پرداخته شود.
- ✓ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی همین عنوان در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و شرکت‌های دارای وابستگی تجاری بررسی شود.
- ✓ در نهایت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی همین عنوان در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری (دولت یازدهم و دوازدهم) بررسی شود تا بتون اثرات سیاسی و اقتصادی را بر این روابط آشکار ساخت.

□ منابع و مآخذ

- ۱- بنی‌مهد، بهمن، محسنی‌شریف، محسن. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن، حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره هفتم.
- ۲- پاک‌مرام، عسگر. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام، دانش حسابرسی، سال ۱۷، شماره ۶۸، صص ۲۱۹-۲۳۸.
- ۳- ثقفی، علی، بهارمقدم، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۲، دانشگاه کرمان، صص ۷۵-۹۳.
- ۴- ستایش، محمدحسین، کاظم‌نژاد، مصطفی. (۱۳۹۱). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، دوره ۴، شماره ۱ (پیاپی ۳/۶۲)، صص ۴۹-۷۹.
- ۵- صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۹۲). تأثیر رعایت حقوق سهامداران بر کیفیت سود، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- ۶- علی‌پور، صفدر، امیری، اسماعیل، همتی، حسن. (۱۳۹۶). تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد، دانش حسابرسی، سال ۱۷، شماره ۶۸، صص ۱۶۹-۱۹۱.
- ۷- مرفوع، محمد، امیری، محمدرضا. (۱۳۹۳). رابطه کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری، بررسی‌های حسابداری، شماره ۳، صص ۶۳-۷۸.

1- Al-Hadi, A., Taylor, G., Hossain, M., 2015. "Disaggregation, auditor conservatism and

- implied cost of equity capital: an international evidence from the gcc". *J. Multinat. Financ. Manage.* 29, 66–98.
- 2- Alkali, M. Y., Zutu, N. L., Kegudu, D. S., 2018. "Book value, earnings, dividends and audit quality on the relevance of accounting information among Nigerian listed firms Accounting". 4(1), 7382-.
- 3- Antle, R., Gordon, E., Narayanamoorthy, G., Zhou, L., 2006. "The joint determination of audit fees, non-audit fees, and abnormal accruals". *Rev. Quant. Finance Account.* 27, 235–266.
- 4- Balasubramanian, N., Black, B., Khanna, V., 2010. "The relation between firm-level corporate governance and market value: a case study of India". *Emerg. Markets Rev.* 11 (4), 319–340.
- 5- Banks, E., 2004. "Corporate Governance, Financial Responsibility, Controls and Ethics", first published. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- 6- Becker, C.L., DeFond, M.L., Jiambalvo, J., Subramanyam, K.R., 1998. "The effect of audit quality on earnings management". *Contemp. Account. Res.* 15 (1), 1–24.
- 7- Bushman, R.M., Smith, A.J., 2001. "Financial accounting information and corporate governance". *J. Account. Econ.* 32 (1–3), 237–333.
- 8- Butler, M., Leone, A.J., Willenborg, M., 2004. "An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals". *J. Account. Econ.* 37 (2), 139–165.
- 9- Cadbury Cod, the (December 1992). "Report of the committee on financial of corporate Governance" the code of best Practice, Gee Professional Publishing London.
- 10- Cahan, S.F., Liu, G., Sun, J., 2008. "Investor protection, income smoothing, and earnings informativeness". *J. Int. Account. Res.* 7 (1), 1–24.
- 11- Chen, K.Y., Lin, K.-L., Zhou, J., 2005. "Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms". *Manage. Audit. J.* 20 (1), 86–104.
- 12- Chia, Y.M., Lapsley, I., Lee, H.-W., 2011. "Choice of auditors and earnings management during the Asian financial crisis". *Manage. Audit. J.* 22 (2), 177–196.
- 13- Choi, J.H., Kim, J.B., Liu, X., Simunic, D., 2008. "Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: theory and cross-country evidence". *Contemp. Account. Res.* 25 (1), 55–99.
- 14- De Angelo L.E. 1981. "Auditor Size and Quality". *Journal of Accounting and Economics.*
- 15- Francis, J.R., Khurana, I.K., Pereira, R., 2003. "Investor protection laws, accounting and auditing around the world". *Asia Pac. J. Account. Econ.* 1 (1), 1–30.
- 16- Guenther, D.A., Young, D., 2000. "The association between financial accounting measures and real economic activity: a multinational study". *J. Account. Econ.* 29 (1), 53–72.
- 17- Healy, P. and K. Palepu., 2001. "Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature". *Journal of Accounting & Economics* 31(13-): pp 40.

- 18- Hogan, C.E., Wilkins, M.S., 2008. "Evidence on the audit risk model: do auditors increase audit fees in the presence of internal control deficiencies"? *Contemp.Account. Res.* 25 (1), 219–242.
- 19- Houque, M.N., Van Zijl, T., Dunstan, K., Karim, W., 2012. "The effect of IFRS adoption and investor protection on earnings quality around the world". *Int. J.Account.* 47 (3), 333–355.
- 20- Hudaib, M., Cooke, T.E., 2005. "The impact of managing director changes and financial distress on audit qualification and auditor switching". *J. Bus. FinanceAccount.* 32 (9–10), 1703–1739.
- 21- Hussainey, K., 2009. "The impact of audit quality on earnings predictability". *Manage. Audit. J.* 24 (4), 340–351.
- 22- Jaggi, B., Low, P.Y., 2011. "Joint effect of investor protection and securities regulations on audit fees". *Int. J. Account.* 46(3), 241–270.
- 23- Johl, S., Jubb, C.A., Houghton, K.A., 2007. "Earnings management the audit opinion: evidence from Malaysia". *Manage. Audit. J.* 22 (7), 688–715.
- 24- Knechel, W.R., Willekens, M., 2006. "The role of risk management and governance in determining audit demand". *J. Bus. Finance Account.* 33 (9–10), 1344–1367.
- 25- Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.D., 2003. "Earnings management and investor protection: an international comparison". *J. Financ. Econ.* 69 (3), 505–527.
- 26- Lin, Z.J., Liu, M., 2010. "The determinants of auditor switching from the perspective of corporate governance in China". *Adv. Account.* 26 (1), 117–127.
- 27- Maijoor, S.J., Vanstraelen, A., 2006. "Earnings management within Europe: the effects of member state audit environment, audit firm quality and international capital markets". *Account. Bus. Res.* 36 (1), 33–52.
- 28- Mitra, S., Deis, D.R., Hossain, M., 2009. "The association between audit fees and reported earnings quality in pre- and post-Sarbanes–Oxley regimes". *Rev.Account. Finance* 8 (3), 232–252.
- 29- Newman, P., Patterson, E., Smith, R., 2005. "The role of auditing in investor protection. *Account*". *Rev.* 80 (1), 289–313.
- 30- Persakis, A, Iatridisa, G., 2016. "Audit quality, investor protection and earnings management during the financial crisis of 2008: An international perspective". *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, PP 73–101.
- 31- Shen, C.-H., Chih, H.-L., 2005. "Investor protection, prospect theory, and earnings management: an international comparison of the banking industry". *J. Bank. Finance* 29, 2675–2697.
- 32- Van Tendeloo, B., Vanstraelen, A., 2008. "Earnings management and audit quality in Europe: evidence from the private client segment market". *Eur. Account. Rev.* 17 (3), 447–469.